

دولتمرد دوران حسن روحانی شناخته می شود اما از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸ از مدیران ارشد وزارت امور خارجه در حوزه اقتصادی و البته بخش دوجانبه اروپا و آمریکا بود.

**مذاکره نابو نیست**

**ساسان کریمی، استناد دانشگاه تهران در باره مسئله «مواجهه» مدنظر رئیس جمهور به خبرنگار «هم‌میهن» گفت:** «همانطور که تعامل الزاماً به معنی همکاری نیست، مواجهه هم به معنی تقابل نیست. به هر حال ما باید با این مسئله مواجه شویم. طبیعتاً بهترین و کم‌خسارت‌ترین راه مبادله آرا میان دو طرف، مذاکره‌ای مستقیم است. بعضی وقت‌ها شرایط به دلایل مختلف سیاسی و غیرسیاسی مساعد و ترجیح کشور بر مذاکره مستقیم نیست. این دولت فعلی آمریکا نیز که دولت مستعجل است و دو ماه آینده به اتمام می‌رسد بنابراین مذاکره با آن‌ها معنای زیادی ندارد. آن چیزی که الان می‌تواند اتفاق بیفتد، فکر کردن در مورد دولت آقای ترامپ است و اینکه ما چطور باید خودمان را با شرایط جدید ایالات‌متحده تنظیم‌گری کنیم و بتوانیم سیاست خارجی دولت دوم ترامپ در مورد ایران و خاورمیانه را شکل بدهیم.» او تأکید کرد: «واقعیت این است که وجود میانجی و واسطه، در بسیاری موارد ایجاد سوءتفاهم و هزینه مضاعف می‌کند و بعضی اوقات خطر وجه‌المصلحه قرار گرفتن به وجود می‌آورد. در عین حال، تصمیم با سطوح عالی نظام است. تصمیم مبنی بر اینکه ارتباط باشد یا نه، و اگر قرار است به سمت نوعی چانه‌زنی در برخی موضوعات برویم، به چه شکل و فرمتی باشد. هیچ‌کدام این‌ها نیز نابو نیست. روش‌های مختلف حل مسئله است. در دوره‌های مختلف هم امتحان شده و هم اجازه‌اش وجود داشته است. در دوره وزارت امور خارجه آقای دکتر طریف مذاکره مستقیم در قالب ۵۰۱ و منحصر به موضوع هسته‌ای اتفاق افتاد و برکات خودش را داشت.» کریمی ادامه داد: «در دوره شهید امیر عبداللّه‌پیمان این اجازه صراحتاً از پشت بلندگو از سوی رهبری داده شد و مقام معظم رهبری فرمودند که می‌شود مذاکره مستقیم هم کرد و مشکلی نیست ولی خوب تیم صلاح ندید که یا در بضاعت خود ندید که این کار را انجام دهد. ولی اجازه آن بود. ممکن است در مواردی با توجه به طرف مقابل که در واشنگتن نشسته و با توجه به شرایط منطقه و غیره این اجازه صادر یا برداشته شود. هنوز در مورد اینکه استراتژی یا تاکتیک کشور در این موضوع به چه صورت است، اطلاعی ندارم. ولی محور صحبت آقای پزشکیان این است که بهترین راه مواجهه با هر موضوعی کنش فعالانه و نقش‌آفرینی خودمان است؛ با توجه به توان بالای کشور در حوزه‌های مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی.»



**اختلاف به معنی مذاکره نیست**

**دیاکو حسینی، پژوهشگر مسائل راهبردی به «هم‌میهن» گفت:** «این حرف اصولاً درست است که ما با آمریکایی‌ها اختلافاتی در این منطقه داریم. مقداری از اختلافات ریشه‌های تاریخی دارد و مقداری به ایدئولوژی متفاوت ایران و آمریکا، بخشی نیز به مسئله ژئوپلیتیک برمی‌گردد. ژئوپلیتیک به این معنا که آمریکا



جامعه به‌ویژه در حوزه محیط زیست هدایت می‌کند. این عقب‌گرد به دلیل بی‌توجهی آنها به قوانین و برنامه‌هایی بود که به ارتقای کیفیت مدیریت حفاظت محیط زیست کشور منجر می‌شد. برون‌داد این رفتار ایجاد فاصله از استانداردهای بین‌المللی مطابق با اهداف توسعه‌یابنده بود. «ایزدی تأکید می‌کند که محدودیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های واردات یکی از آثار تحریم‌هاست که بر محیط‌زیست کشور هم تأثیرگذار بوده است.» مثلاً ما امروز نمی‌توانیم تکنولوژی لازم برای فیلترینگ صنایع آلاینده را به راحتی وارد کشور کنیم. به همین علت دچار مشکلاتی در حوزه محیط زیست و سایر بخش‌های کشور می‌شویم. با این حال نمی‌توانیم تمام مشکلات را گردن تحریم‌ها بیاوریم. تحریم‌ها اگر چه ما را محدود کرده است اما باید بررسی کرد که در باره مدیریت منابع و محیط‌زیست چه اقدام بایسته‌ای انجام داده‌ایم. وقتی حتی در برنامه هفتم توسعه بخشی را به محیط زیست اختصاص نداده‌ایم، به این معناست که اساساً این موضوع برای ما اهمیت نداشته است. «او تصریح می‌کند که ویژگی‌ها و شاخص‌های برجسته و حیاتی سرزمین‌مان را به درستی نشناخته‌ایم تا بتوانیم برای کنترل و مدیریت آن و به‌ویژه کاهش بحران‌های محیط‌زیستی به درستی عمل کنیم؛ «مدت‌هاست که بخش‌هایی از کشور ما دچار فرورفتن زمین شده است و آن‌ها همچنان با ۸۰ درصد افت مواجه شده‌اند. بسیاری از رودها و تالاب‌هایمان خشک شده و کارشناسان سال‌هاست که درباره این بحران‌ها اطلاع‌رسانی کرده‌اند. اما برنامه ما برای مقابله با این پدیده‌های خطرناک کجاست؟ بنابراین ما خودمان هم برای مدیریت حفاظت از منابع پایه کشور، برنامه منطقی منطبق با واقع موجود نداشته‌ایم.» این کارشناس محیط زیست تصریح می‌کند که اگر چه تحریم‌ها تمام شئون زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده اما مسکن مدیریت منابع ما و مقابله با «کاهش‌های» موجود در کشور، دست خود ما بوده است: «به عنوان مثال با وجود مشکلات ناشی از تغییر اقلیم از جمله فرورفتن زمین، ما در حوزه کشاورزی، هیچ‌گونه تغییر الگوی کشت ایجاد نکرده‌ایم. کشاورزی لحام‌گسیخته سنتی اصلاً اجازه نمی‌دهد منابع آب و خاک رو به زوال ما نفوس بکشند اما سیاست‌گذاران کلان کشور تاکنون راهکار و برنامه‌ای جدی برای کنترل شرایط بحرانی کنونی نداشته‌اند.» او به عدم اجرای مصوبه «اصلاح الگوی کشت برنج» که در سال ۱۳۹۷ در کمیسیون تلفیق به تصویب مجلس رسید هم اشاره می‌کند: «وزارت کشاورزی برای اجرای این مصوبه همکاری نکرد؛ در حالی که با اجرای این مصوبه می‌توانستیم منابع آب و خاک را تحت مدیریت و حفاظت قرار داده و فرورفتن‌ها را کاهش بدهیم. وجود نگاه‌های یکسویه مانع از این کار شد. بنابراین مدیریت منابع پایه کشور دست خود ماست و ارتباط زیادی با تحریم‌ها ندارد. تحریم‌ها حتی باعث رشد برخی از صنایع ما شد اما در حوزه محیط زیست خودمان هم توجه چندانی نکردیم.»



**خاموشی‌های برق ادامه پیدا می‌کند!**



**تغییر اقلیم و منافع ملی**

به مناسبت برگزاری کاپ ۲۹



آرش ملکی

پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل

با انتصاب سرکار خانم دکتر شینا انصاری به ریاست سازمان حفاظت از محیط زیست، دوره جدیدی در این سازمان آغاز شد؛ سازمانی با بودجه سالانه سیزده‌رقمی که وظیفه پیشگیری و ممانعت از آلودگی محیط زیست را بر عهده داشته و باید با چالش‌های زیست محیطی متعددی از قبیل آلودگی آب، آلودگی هوا، جنگل‌زدایی، دفع پسماند، کاهش منابع طبیعی و... مقابله نماید. یکی دیگر از چالش‌های زیست‌محیطی ایران مسئله تغییر اقلیم است. تغییر اقلیم، فراتر از جغرافیای ایران و یک معضل جهانی است. این مفهوم، در یک گزاره عبارت است از افزایش دمای زمین در نتیجه فعالیت‌های انسانی و غیرمستقیم انسان. برای تغییر اقلیم آثار منفی متعددی برشمرده شده. از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، افزایش سطح آب اقیانوس‌ها، به خطر افتادن امنیت غذایی، خشکسالی فزاینده و وقوع طوفان‌های شدید از جمله این آثار منفی هستند. این آثار که همواره از سوی هشداردهندگان اقلیمی با «دلایل علمی» توجیه می‌شوند، سبب شده‌اند که در سه دهه اخیر، تلاش‌های هماهنگی از سوی جامعه بین‌المللی با هدایت سازمان ملل متحد به منظور کنترل و مهار افزایش دمای کره زمین انجام شود. مهمترین تلاش حقوقی صورت گرفته در این زمینه در معاهده‌ای موسوم به توافق پاریس خلاصه می‌شود. توافق پاریس یک سند الزام‌آور است که مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ در قالب نشست با حضور نمایندگان ۱۹۴ دولت - از جمله ایران - و اتحادیه اروپایی به تصویب رسید و از یک مقدمه و ۲۹ ماده تشکیل شده. اهداف این معاهده بدین شرح هستند: ۱) توقف افزایش میانگین دمای جهانی به کمتر از ۲ درجه سانتیگراد بالاتر از سطوح پیش از صنعتی شدن و تلاش برای محدود ساختن دما به کمتر از ۱/۵ درجه سانتیگراد. ۲) افزایش توانایی مقابله با آثار نامطلوب تغییر اقلیم، ترویج تاب‌آوری اقلیمی و توسعه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، به نحوی که تولید غذا را تهدید نکند

۳) انطباق جریان‌های مالی با برنامه‌های مرتبط با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و توسعه اقلیم پایه. توافق پاریس همچون همه‌ی معاهدات بین‌المللی، علاوه بر امضای نماینده دولت به تصویب در نظام حقوقی داخلی نیازمند بود. در نتیجه، لایحه تصویب این توافق از سوی دولت وقت به مجلس شورای اسلامی ارسال و پس از تصویب روانه‌ی شورای نگهبان شد. لیکن شورای نگهبان با ذکر وجود ابهاماتی پیرامون ارائه‌ی اطلاعات مربوط به مشارکت تعیین‌شده‌ی ملی در مواد ۴ و ۱۳ و ضمانت مورد اشاره در ماده ۲۳ از تأیید آن خودداری نمود. در نتیجه از ۲۴ آذر ۱۳۹۵ بدین سو، این معاهده مستکوت مانده و هنوز در نظام حقوقی ایران جایگاهی ندارد. حال که سازمان حفاظت از محیط زیست یک دوره‌ی مدیریتی جدید را آغاز نموده و بیست‌ونهمین اجلاس‌هی اقلیمی سازمان ملل متحد (موسوم به کاپ ۲۹) در جریان برگزاری است، این احتمال وجود دارد که فرایند رفع نقص از لایحه‌ی ارسال‌ی و الحاق به این معاهده در دستور کار این سازمان قرار بگیرد. لذا شایسته است متولیان امر با در نظر گرفتن شرایط خاص کشور و بدون اثرپذیری از هشدارهای اقلیمی رنگارنگی که پیوسته توسط رسانه‌های جریان اصلی جهان تبلیغ می‌شود نسبت به الحاق تصمیم بگیرند. مسئله‌ی تغییر اقلیم با تحریف واقعیات و دروغ‌پردازی‌های عیدیه‌ی هشداردهندگان اقلیمی همراه است. به‌عنوان مثال، ادعای ذوب شدن یخچال‌های طبیعی در حالی از سوی آنان مطرح می‌شود که در گزارشی از سوی سازمان ملل متحد به سال ۲۰۱۰ افزایش یخچال‌های طبیعی به اثبات رسیده. همچنین، مدعای افزایش بی‌وقفه‌ی سطح آب اقیانوس‌ها در حالی صورت می‌پذیرد که در یکصد سال اخیر، سطح آب اقیانوس‌ها به طور محسوس مشمول تغییر نشده. یا در ادعایی دیگر، گفته می‌شود که تغییر اقلیم منجر به وقوع طوفان‌های بی‌سابقه شده. ادعایی که دانشمندان متعدد به دفعات آن را رد نموده‌اند. در مجموع، نفس همکاری بین‌المللی با هدف کسب یک خیر مشترک عملی پسندیده محسوب می‌شود. با این وجود، سزوار است در مسئله‌ای چون تغییر اقلیم که آکنده از ادعاهای نادرست است، پیش از پذیرش هر تعهد بین‌المللی و ایجاد محدودیت برای دولت به واقعیت‌های موضوع توجه و اولویت منافع ملی را فراموش نکنیم.



**حضور در سطح رئیس جمهور مناسب نبود**



**سیدجلال ساداتیان، کارشناس روابط بین‌الملل** درباره عدم حضور رئیس‌جمهور در اجلاس کاپ می‌گوید: «اجلاس کاپ برای حفاظت از محیط زیست از طریق عدم تولید CO2 و گازهای گلخانه‌ای تشکیل شد.» او به کمبود انرژی در کشورمان اشاره می‌کند: «در چند روز اخیر دولت اعلام کرده برای جلوگیری از آلودگی محیط زیستی مازوت در نیروگاه‌ها نسوزانید. در مقابل این مسئله با مشکل قطع برق مواجه هستیم که این مسئله ایراداتی را وارد می‌کند. به هر حال ما در تابستان با قطع برق و در زمستان با قطع گاز مواجه هستیم که باعث خلل در کار تولید کارخانه‌ها و صنایع تولیدی می‌شود. حالا سوال این است که با وجود این شرایط هیئت ایرانی در بالاترین سطح اجرایی یعنی رئیس‌جمهور باید در این اجلاس چه می‌گفت و چه تعهدی می‌داد؟ به بیان دیگر ما حرف زیادی در این نشست نداشتیم که در سطح رئیس‌جمهور شرکت کنیم و همچنین نمی‌توانستیم تعهدات زیادی را هم بپذیریم.» او نکته دومی را هم به‌عنوان علت عدم حضور رئیس‌جمهور در این کاپ مورد توجه قرار می‌دهد که بیشتر جنبه سیاسی دارد، یعنی حضور فعال اسرائیل در این اجلاس: «این مسئله باعث شد که تعدادی از کشورها حاضر به حضور در این نشست نشوند؛ همچنین برخی از کشورها مثل فرانسه و آمریکا هم در این اجلاس شرکت نکردند. کما اینکه ترامپ در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود، کلاً از کنفرانس آب و هوایی «پاریس» خارج شد و در اجلاس شرکت نکرد تا بتواند بدون پذیرش هیچ محدودیتی به تولید خود ادامه داده و کماکان اقتصاد اول دنیا باشد. تعدادی از کشورها هم که قرار بود در سطح رئیس‌جمهور در اجلاس حاضر شوند، از این موضوع منصرف شدند؛ مانند ایران که در سطح رئیس‌سازمان محیط زیستش که معاون رئیس‌جمهور هم هست، در این اجلاس شرکت کرد.»

او دیگر علت عدم حضور پژوهشگران در این اجلاس را ماجرای کانال زنگزور می‌داند که آذربایجان قصد ساخت آن را برای اتصال به منطقه نخجوان دارد: «اگر چنین باشد پهنانه خوبی نیست. ما باید با کشور آذربایجان تعامل لازم داشته باشیم و آنها را از ساخت این کانال منصرف کنیم. یا در صورت وجود سازشی در این زمینه ما هم بتوانیم به منافع خود دست یابیم.» این کارشناس بین‌الملل تأکید می‌کند: «با توجه به دلایلی که به عنوان یک تحلیلگر به آن اشاره کردم و با توجه به شرایط موجود، معتقدم که حضور رئیس‌جمهور در اجلاس کاپ چندان هم مناسب نبوده است.»